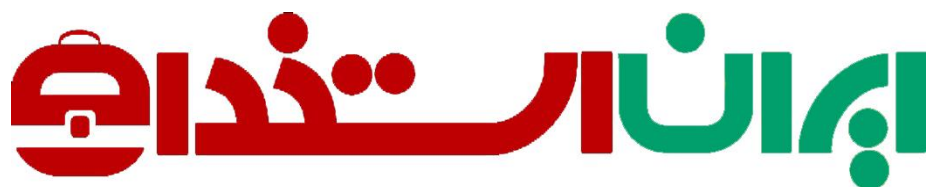




خلاصه کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام




سرویس خصوصی خدمات عام المنفعه اخبار شغل و استخدام

Www.IranEstekhdam.Ir

خواننده گرامی؛ در جهت بهبود کیفیت این فایل؛ لطفاً هرگونه انتقاد و پیشنهاد خود در مورد مطالب آن

و یا گزارش مشکل را به آدرس ایمیل و یا با شماره تلفن زیر مطرح نمایید:

آدرس ایمیل: soal@iranestekhdam.ir 

شماره تلفن تماس: ۰۲۱-۹۱۳۰۰۰۱۳ 

«توجه مهم»

جهت تهیه کتابهای آموزشی و دانلود سایر نمونه سوالات استخدامی به همراه پاسخنامه
به آدرس زیر مراجعه بفرمایید:

اینجا کلیک نمایید

کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام به قلم دکتر شهید مرتضی مطهری یکی از منابع آزمون استخدام آموزش و پرورش در بخش حیطة عمومی است.

ورود اسلام به ایران در پایان سلسله‌ی ساسانیان باعث تغییر اساسی در فرهنگ و شرایط اجتماعی ایران شد. به‌طوری که این ماجرا تقسیم‌کننده‌ی تاریخ ایران به دو بخش ایران باستانی و ایران اسلامی است. از آن زمان تا کنون متفکرین ابعاد مختلف این قضیه را بررسی و درباره‌ی جنبه‌های مختلف آن قلم زده‌اند. کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران نماینده‌ی دسته‌ای از این تفکرات است که شهید مطهری در آن دغدغه‌ی خود درباره‌ی هویت ایرانی-اسلامی را شرح داده و به مسئله‌ی مفهوم ملت ایران در مقابل اسلام، سهم ایرانیان در پیشرفت اسلام و نقش اسلام در شکوفایی ایران پاسخ داده است.

بخش اول این کتاب با عنوان اسلام از نظر ملیت ایرانی به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا اسلام و ملیت با یکدیگر در تضاد هستند یا خیر. شهید مطهری با استناد به آیات قرآن و احادیث پیامبر اسلام، ثابت می‌کند که اسلام، هیچ‌گونه مخالفتی با ملیت ندارد و حتی بر آن تأکید می‌کند.

بخش دوم کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام با عنوان خدمات اسلام به ایران به بررسی خدمات اسلام به ایران می‌پردازد. شهید مطهری، در این بخش، به مواردی همچون وحدت و یکپارچگی ملی، ایجاد تمدن اسلامی، گسترش زبان فارسی، رشد علم و دانش و هنر، و رشد معنویت و اخلاق در ایران، اشاره می‌کند.

و فصل سوم این کتاب با عنوان خدمات ایران به اسلام به بررسی خدمات ایران به اسلام می‌پردازد. شهید مطهری، در این بخش، به مواردی همچون نقش ایران در گسترش اسلام، پرورش اندیشمندان و دانشمندان بزرگ مسلمان، و حفظ و تداوم تمدن اسلامی، اشاره می‌کند.

فصل اول: اسلام از نظر ملیت ایرانی

یکی از بحث‌هایی که در قرن حاضر در میان تمام ملل رواج بسیار داشته است بحث ملیت است. این موج ابتدا در اروپا بالا گرفت چه بسا در آنجا طبیعی بود زیرا مکتبی که بتواند ملل اروپا را در یک واحد انسانی و عالی جمع کند وجود نداشت این بحث سپس سلاح استعماری برای اجرای

اصل ((تفرقه بینداز و حکومت کن)) شد. با سرگرم کردن ملت ما به افتخارات موهوم قومی و ملی آنها را به مرور از یکدیگر جدا کرد و در همین دوره بود که پدیده هایی همچون ((پان ترکیسم)) و ((پان عربیسم)) بوجود آمد. در جامعه اسلامی هم این بحث نه بدست مردم بلکه از سوی دولت ها و حکومت ها و بالاتر از آن از سوی قدرت های اروپایی و امریکایی ترویج شد. در پیرامون این بحث لازم است چند نکته تذکر داده شود:

اولاً: بطور کلی مساله ی ملیت بر خلاف اصول تعلیمات اسلام است.

ثانیاً: شاید گفته شود تهییج احساسات ملی در برخی از ملتها باعث رهایی آنها از دست استعمار و استقلال ایشان شده است ولی باید گفت: که برای جامعه ی اسلامی که قرن هاست این مرحله را طی کرده و به وحدت فکری عقیده ای و ایدئولوژیکی رسیده است این جریان سبب تفرقه و جدایی می شود. و در حقیقت یک ارتجاع به حساب می آید زیرا همانطور تاریخ چند قرن معاصر نشان میدهد. اسلام میتواند در مبارزات ضد استعماری اثر گذاری بیشتری نسبت به ملیت از خود نشان دهد الجزای، اندونزی، پاکستان و برخی از کشورهای عربی از این قسمند از سوی دیگر در مواردی که ملل اسلامی بر قومیت تکیه داشته اند شکست خورده اند. همچون جریان شکست اعراب از اسرائیل در این جنگ در اثر قومیت گرایی اعراب در حقیقت عربیسم بود که با صهیونیسم می جنگید و نه اسلام با صهیونیسم

ثالثاً: هجوم وسیعی در زیر نقاب مبارزه با عرب و عربیت بر اسلام وارد میشود که سعی در تحریک احساسات جوانان خام و بی خرد دارد می کوشد تا احساسات اسلامی را بر ضد اسلامی تبدیل کند. البته علی رغم نکات مذکور توجه داریم که احساسات ملی تا آنجا که جنبه مثبت داشته باشد و نتیجه اش در خدمت به هم وطنان باشد قابل قبول است.

رابعاً: منطق عالی تری از منطق احساسات ملی و ناسیونالیستی وجود دارد و آن این که یک مساله ی علمی یا یک نظریه ی فلسفی با یک حقیقت دینی را هرگز به دلیل این که ملی و وطنی است نمی توان پذیرفت همچنان که به بهانه ی این که بیگانه و اجنبی است نمی توان انرا نادیده گرفت و رد کرد. بنابراین ما منطقی عالی عقلی و انسانی را کنار نمی گذاریم و با همان منطق احساساتی که شایسته انسانهای تکامل نیافته است وارد بحث می شویم و می خواهیم ببینیم با منطق احساسات

ملی ایا باید اسلام را امری خودی بشماراوریم یا امری بیگانه واجنبی؟ ایا باید آن را جزو ملیت خود محسوب کنیم یا خارج از آن.

بنابراین بحث ما به دو قسمت تقسیم می شود:

الف) کبرای بحث

طبق این مقیاس ملیت یعنی ملاک این که چیزی ار جز و ملیت یک قوم یا خارج از ان قرار دهیم چیست؟

ب) صغرای بحث

طبق این مقیاس آیا اسلام از نظر ملیت ایرانی یک امر خودی است یا یک امر بیگانه واجنبی؟

کبرای بحث

ازلحاظ ادبی کلمه ی ملت لغتی عربی به معنی راه و روش است و در قرآن هم ۱۵ بار به همین معنا ذکر شده است ولی مفهومی که امروز مصطلح فارسی زبانان است و از کلمه ی ملیت آن را مشتق کرده اند ، تفاوت زیادی دارد. از نظر قران یک مجموعه ی فکری و علمی و روشی که مردم باید طبق آن عمل کنند ملت نامیده می شود بنابراین کلمه ی ملت با داشتن یک تفاوت کوچک با دینهم معنی است. این اصطلاح جدید از دوران مشروطه به بعد به اشتباه معمول گشته است. بنابراین یک اصطلاح جدید است. ما امروز به جای مردم آلمان، مردم انگلستان می گوئیم: ملت آلمان ، ملت انگلستان و احياناً به همه ی مردم ، این کلمه را اطلاق نمی کنیم بلکه مردم را به دو طبقه تقسیم می کنیم.

طبقه حاکم و طبقه محکوم، به طبقه ی حاکم کلمه دولت و به طبقه محکوم، کلمه ملترا اطلاق می کنیم.

اعراب امروزی در موادی که کلمه ملت را به کار می برند قوم یا شعب بکار می برند از لحاظ اجتماعی ملت به مجموع مردمی گفته میشود که حکومت واحد وقانون واحدی بر آنها حکومت می کند.

در عرف علوم انسانی کلمه مردم جنبه جامعه شناسی بیشتری دارد. در حالی که ملت بیشتر از نظر حقوق و سیاست داخلی یا بین المللی مورد نظر قرار می گیرد. مساله بسیار مهم این است که امروز در جهان ملل گوناگون وجود دارد آن چه هریک از این ملتها را به صورت واحد درآورده است زندگی مشترک و قانون و حکومت مشترک است نه چیز دیگر از قبیل نژاد و خون و غیره وجه مشترک این واحدها این است که حکومت واحدی آنها اداره می کند حتی از این ملت ها سا بقه تاریخی زیادی ندارند بلکه مولود یک حادثه اجتماعی اند مثل بسیاری از ملل خاور میانه که مولود جنگ بین المل اول و شکست عثمانی ها می باشد حقیقت این است که ادعای جدا بودن خونها و نژادها خرافه ای بیش نیست. نژادها سامی و آریایی و غیره به صورت جدا و مستقل از یکدیگر در گذشته بوده است. اما حالا آنقدر اختلاط و امتزاج و انتقال صورت گرفته که اثری از نژادهای مستقل باقی نمانده است شاید بسیاری از اولاد ابوسفیان ها امروز سنگ تعصب ایرانی به سینه می زنند.

از لحاظ اخلاقی ملیت از خانواده خود خواهی است که از حدود خون و قبیله تجاوز کرده شامل افراد یک ملت شده است و این چنین جانبداری می تواند توسعه ی بیشتری هم یافته در واحدهای منطقه ای و قاره ای نیز بوجود آید. این حس خواه ناخواه عوارض اخلاقی خود خود خواهی رادری دارد. این گرایش به جنبه های قومی و ملی در زبان اروپایی ناسیونالیسم خوانده میشود این جا باید تذکر داده شود که جنبه های مثبت ناسیونالیسم که موجب همبستگی بیشتر و روابطه حسنه بیشتر و احسان و خدمت بیشتر به کسانی که با آنها زندگی مشترک داریم بشود. مورد تایید اسلام است حال که منظور از کلمه ملیت را شناختیم ببینیم چه ویژگی هایی باعث میشود که پدیده های تحت سیطره ملیت قرار گیرد؟

دو نکته را گوشزد می کنیم:

از نظر احساسات ملی و عواطف قومی نه هر چیزی که از وطن برخاست جنبه ملی پیداد میکند و نه هر چیزی که از مرزوبوم د یگر آمده باشد بیگانه به شمار می رود مثلا مردم ایران بعد از ۲۵ قرن رژیم مشروطه را به جای آن انتخاب کردند. در صورتی که:

اولاً اگر ملاک سابقه تاریخی بود بازمی گفتیم رژیم ملی رژیم استبدادی است و رژیم مشروطه برای یک رژیم بیگانه است.

ثانیاً رژیم مشروطه را ما ابداع نکردیم و از دنیای خارج به کشور ما آمده بود ولی ملت ما آن را پذیرفت و در راه تحصیل آن فداکاری ها کرد.

عمده آن است که اولاً بدانیم آن چیز رنگ ملت به خصوصی دارد یا بی رنگ است و عمومی و جهانی است.

ثانیاً آیا ملت مورد نظر آن چیز رابه طوع و رغبت پذیرفته است یا نه زور واکراه در مورد اول مثلاً نازیس آلمان و صهیونیسم یهود رنگ ملت به خصوصی دارد اگر افراد یک ملت دیگر بخواهند آن را بپذیرند بر خلاف ملیت خود عمل کرده اند و احیاناً نوعی تغییر ملت به شمار می رود و در مقابل حقایق علمی و پدید آورندگانشان به همه جهانیان تعلق دارد و نه به ملیت به خصوصی و در مورد دوم: مثلاً اگر ما کیش مانوی و مسلک مزدکی را به اعتبار ابداع کنندگان و پیروان محدودشان در ایران، ملی به حساب آوریم، عواطف و احساسات اکثریت را نادیده گرفته ایم.

صغرای بحث:

در صغرای بحث ما اسلام را از دو نقطه نظر که در کبری بیان کردیم مورد بررسی قرار می دهیم

آیا اسلام رنگ ملت به خصوصی دارد؟

فصل دوم: خدمات اسلام به ایران:

ایرانیان پیش از هر ملت دیگر نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار داده و در این راه صمیمیت و اخلاصی نشان داده اند. در این دو جهت هیچ ملتی به پای ایرانیان نمی رسد حتی خود ملت عرب که دین اسلام را در بیان آن ها ظهور کرد کمتر به این نکته توجه می شود که ایرانیان شاه کارهای خود را در راه خدمت به اسلام بوجود آوردند و جز نیروی عشق و ایمان نیروی دیگر قادر نیست شاهکار خلق کند به همان نسبت که اسلام یک دین همه جانبه است. خدمات ایرانیان به اسلام نیز وسیع و گسترده و همه جانبه است. اولین خدمتی که باید از آن نام برد خدمت تمدن کهن ایران به تمدن جوان اسلام است.

درباره ی صمیمیت ایرانیان آن چه ما مدعی هستیم این است که نه همه اما اکثر قریب به اتفاق ایرانیان نسبت به اسلام صمیمی بوده اند و انگیزه ای جز خدمت به آن نداشته اند. منشاء اصلی تجزیه ی حکومت اسلامی به صورت حکومت های کوچک تبعیضات نژادی و تفاخرات قومی بوسیله ی اعراب بوجود آمد.

ایرانیان اسلام را پذیرفته بودند نه عرب را. ایرانیان و همچنین سایر مسلمانان غیر عرب، به هیچ وجه حاضر نبودند برتری عرب را بپذیرند. عکس العمل ابتدایی آنها در مقابل این تبعیضات، بسیار منطقی و انسانی بود. آنها عرب را به کتاب خدا دعوت کردند.

بدیهی است که فطری و منطقی بودن این دین و هماهنگی آن با نوامیس زندگی عامل اساسی انتشار آن است مبلغان مسیحی، جنگهای صدر اسلام را دست آویز قرار داده و عامل نشر و توسعه ی اسلام را زور و جبر معرفی کرده اند. عوامل تبلیغ اسلام توده ی مردم بوده اند نه یک دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی صحنه علم و فرهنگ وسیع ترین پر شور ترین میدان های خدمات ایرانیان به اسلام است.

اولین کتابی که اندیشه ی مسلمین را به خود جلب کرد و ایشان را در پی درس و تحصیل آن فرستاد قرآن پس از آن احادیث بود. جوشش و جنبش علمی مسلمین از مدینه آغاز شد.

یکی از علل سرعت و پیشرفت در علوم این بوده است که در اخذ علوم و فنون کوتاهی نمی ورزیدند و علم را در هر نقطه و در دست هر کس می یافتند از آن بهره گیری میکردند و به اصطلاح امروز روح تساهل بر آنها حاکم بوده است.

در ادامه، به برخی از نکات مهم خلاصه کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، به طور مختصر اشاره می شود:

اسلام، هیچ گونه مخالفتی با ملیت ندارد و حتی بر آن تأکید دارد.

اسلام، به وحدت و یکپارچگی ملی کمک کرد و باعث شد ایران، به یک کشور واحد و منسجم تبدیل شود.

اسلام، باعث رشد علم و دانش و هنر در ایران شد و به شکل‌گیری تمدن اسلامی کمک کرد.

اسلام، باعث رشد معنویت و اخلاق در ایران شد و به تعالی روح ایرانیان کمک کرد.

ایران، نقش مهمی در گسترش اسلام داشت و بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان بزرگ مسلمان، ایرانی بودند.

«توجه مهم»

جهت تهیه کتابهای آموزشی و دانلود سایر نمونه سوالات استخدامی به همراه پاسخنامه

به آدرس زیر مراجعه بفرمایید:

اینجا کلیک نمایید



ایران استخدا

سرویس خصوصی خدمات عام المنفعه اخبار شغل و استخدام

[Www.IranEstekhdam.Ir](http://www.IranEstekhdam.Ir)

خواننده گرامی؛ در جهت بهبود کیفیت این فایل؛ لطفاً هرگونه انتقاد و پیشنهاد خود در مورد مطالب آن

و یا گزارش مشکل را به آدرس ایمیل و یا با شماره تلفن زیر مطرح نمایید:

آدرس ایمیل: soal@iranestekhdam.ir

شماره تلفن تماس: ۰۲۱-۹۱۳۰۰۱۱۳

[Www.IranEstekhdam.Ir](http://www.IranEstekhdam.Ir)